

بِسْمِ الشَّيْطَانِ وَ شَيْئِهِ كَيْفَ
قوله اللهم رب العالمين
احمد ان بن عمر و ابو داود و غيره
بله و ابو داود و غيره
خداوند خدایان دعای خداوند
توسعه و وسیع هر چه از موجودات
معبودیت در مشهورات که تو
و مسند ائم معین که محمد علیه
مخوفات است و سینه موجودات
که من است هم با این کلام
و از آنرا حق او را در شرک
شخصی خود معصیت که اندک
که خود کرده اند و لم یسجد
والارض یعنی در سنن ابوداود
مصنف ابن ابی شیبه هر سینه
اراده تو ایسان دعای خود
خلفت نفسی و انک توفیها
فاحفظها و ان امتها فاعقر
و معنی توفیها در اصل توفیها
حق و از آنرا جمع آنرا در
از این عمره روضه خندان

نویس

نفسی از خدمت و تو بجز از نفس
سور قول حق تعالی و جمعی
تو که غیر ترا و خدایت از
از عیبات در کتاب سیتات
مرای خدا سوال میکنم از تو
و اقرت اللهم انی اعوذ
کتاب منی بشیء ما انک
و المساکم اللهم لا یهین
لا ینفع ذالک صلیت الخ
گفت که حق و بر همه رو
از باب علم الزم الذي لا
شدن آنیم انیم انیم لغت
انتم لازم مآخذت و عدل
بهره و نیت و در نیازی
و اولیفا عندک غناه و انما
که از تو الصالح و بزرگی
غناه و بزرگی شدن در حقیقت
از باب ضرب کوشیدن در
ابوداود و در ای و مصنف
و وجهه خندان رسول خدا